

از خیانت تا تجاوز

حمله چین به ویتنام گام دیگری در سقوط این کشور به دامن

امپریالیسم است

سربازان چین در شب ۱۷ فوریه، امسال از مرز ویتنام گذشتند و حمله خود را به این کشور آغاز نمودند. پس از آغاز این حمله و پیشروی سریع سربازان چین در روزهای اول جنگ، رهبران چین اعلام کردند، با این کار خود میخواهند "ویتنام را تنبیه کرده و وظائفش را نسبت به احترام به قواعد بین المللی یادآوری کنند". آن ها وعده دادند که سربازان چین به زودی از ویتنام عقب نشینی خواهند کرد. امکان وقوع این تجاوز را تنک سیائو بینگ بعد از بازگشتش از سفر امریکا تلویحا اعلام نمود و حتی در توقف کوتاهی که در این بازگشت در ژاپن نمود، اعلام کرد:

در روز ۴ فوریه روزنامه "ژاپنسی" "آهای یشمون" اعلام کرده بود که حمله چین به ویتنام اکنون دیگر مسلم شده و فقط زمان آن باید تعیین شود. همین روزنامه منبع اطلاعاتی خود را محافل جاسوسی امریکا در ژاپن ذکر کرد. حمله چین به ژاپن جنبش چسپ در جهان را که در سالهای ۶۰ و اوائل سالهای ۷۰ وسیعا از خلق ویتنام در مقابل تجاوزات و جنایات امریکا در هندوچین دفاع کرده بود، دچار سر در گمی کرد. اغلب سازمانهای چسپ جهت یابی خود را در اوضاع جدید بین المللی و جبهه هائی متفاوت با آن سالها از دست دادند. بسیاری از سازمانهای چسپ نمیدانستند در جنگی که بین "کمونیستها" درگیر شده است، جانب کدام طرف را باید گرفت و کدام یک را باید افشاء کرد. اکنون بعد از گذشت چند ماه از این واقعه، ارزش یابی از این واقعه ساده تر شده و می توان با جستجو در انبوه حوادث اتفاق افتاده به واقعیت اهداف رهبران چین از این حمله پی برد.

حتی آمادگی خود را برای تعیین منطقه آتش بس در نوار مرزی بین دو کشور واستقرار سربازان سازمان ملل در این منطقه برای مراقبت از این آتش بس اعلام کرد. علیرغم این پیشنهاد ویتنام دولت چین به بهانه تشدید در کبریهای مرزی و "خطر حمله ویتنام به چین" ارتش خود را وارد ویتنام نمود. سه هفته پس از آغاز این تجاوز، ارتش چین با این که دهها کیلومتر در خاک ویتنام پیش روی کرده بود، بعد از از دست دادن، چندین هزار نفر از سربازانش و تحمل شکستهای سختی در ویتنام دوباره عقب نشینی نمود و به غیر از مناطق کوچکی در مرز ویتنام، بقیه خاک اشغال شده این کشور را تخلیه کرد. طبق اطلاعات منتشر شده توسط دولت ویتنام، سربازان چینی در این عقب نشینی - مزارع را آتش زده - روستاها را ویران کرده تعداد کثیری از مردم غیر نظامی را قتل عام کردند. اعمال سربازان چین در ویتنام برای مردم این کشور خاطره وحشتناک جنایات یانکی ها را دوباره زنده کرده پس از این عقب نشینی - ظاهرا آرامش دوباره در منطقه حکمفرما شده است.

رهبران چین دشمنی آشکار خود را با ویتنام از اواخر سال ۱۹۷۷ و اوائل سال ۱۹۷۸ آغاز نمودند. در این زمان، رژیم طرفدار چین در کامبوج پس از تصفیه جناح طرفدار ویتنام که تز ایجاد جبهه نیرومندی متشکل از کشورهای هندوچین را عنوان میکرد حملات خود را به نواحی مرزی ویتنام و قتل عام ساکنین این مناطق آغاز کرد در آوریل ۱۹۷۸، عمدا تحت تاثیر تبلیغات چین، فرار اقلیت چینی ویتنام از این کشور آغاز شد با لایحه در ژوئن ۱۹۷۸ جمهوری چین اعلام نمود که ظاهرا، بدلیل هجوم چینی های مقیم ویتنام به این کشور و برای رفیع احتیاجات آنان، مجبور است تحویل بخش بزرگی از کمکهای صنعتی خود به

اکثرین اهداف گذشت چند ماه از حمله چین به ویتنام، ارزیابی از این واقعه ساده تر شده و می توان به واقعیت اهداف رهبران چین پی برد.
از مشکلات رهبران گئونی چین اختلافات درون حزب است. طایفه سرگوب جناح چپ، هنوز بخشهای بزرگی در حزب و در بین مردم در مقابل برنامه های روزیرو نیستی حزب مقاومت میکنند.

ویتنام با وجود ضربات سخت اقتصادی که از این حمله متحمل شد آمادگی خود را برای آغاز مذاکرات دوباره اعلام نمود. ولی این مذاکرات هنوز آغاز نشده و احتمال آغاز مجدد جنگ وجود دارد. هم اکنون در کبریهای مرزی کمافی السابقوزی چند بار اتفاق می افتد. اما چرا چین با وجود مشکلات عظیم داخلی دست به چنین قمار بزرگی زد؟ و هدفش از این حمله چه بود؟ یکی از اهداف چین این بود که ویتنام را که بهر حال هنوز از نظر اقتصادی ضعیف است، همواره در حالت دفاعی نگهداشته و کوششهایش برای تز-

ویتنام را ملغی کند. اگر چه همزمان با این تصمیم، کمکهای چین به رژیمهای فاسد وابسته به امپریالیسم مانسند رژیم موبوتو در ژنر هر روز گسترش میافت. تقریبا از همین زمان در کبریهای مرزی بین چین و ویتنام شدت گرفت و گاه حتی به ۵۰۰ مورد در ماه رسید. یک هفته قبل از تجاوز چین به ویتنام و پس از پخش خبر این تجاوز قریب الوقوع در مطبوعات جهان - ویتنام پیشنهاد نمود که با دولت چین وارد مذاکره شده و طرفین کوشش کنند تا اختلافات مرزی خسود را از طریق مذاکره حل نمایند. ویتنام

میم مشکلات و نارسایی های اقتصادی را مواجه با شکست نماید. برخورد چین به ویتنام در واقع برخورد از موضع یک "رقیب" برای حفظ موقعیت و هژمونی سیاسی اش در آمده بود. چینی ها هم چنین امیدوارند که بتوانند تضادهای داخلی در جنوب ویتنام را تشدید کنند در جنوب ویتنام که تازه از جنگ ها - بی بخش فارغ شده است، وضع بخصوص در شهرهای بزرگ تثبیت نشده، هنوز بخش های طرفدار آمریکا و ضد کمونیست کاملاً سرکوب نشده اند.

یکی دیگر از دلایل عمده دستور حمله رهبران چین به ویتنام، انحراف افکار عمومی چین از مشکلات و مسائل داخلی این کشور و متوجه کردن آن ها به مسائل خارجی بعنوان درجه ی اطمینان دیک بخار جامعه ی در حال انفجار چین است.

در ماه های اخیر میلیون نفر از جوانانی که در اثناء و یا بعد از انقلاب فرهنگی اجباراً در روستاها مقیم شده بودند، دوباره به شهرهای بزرگ بازگشته اند، این عده ی کثرت از مسکن و نه از شغل ثابت برخوردارند و اغلب آنها از طریق مشاغل موقت، قاچاق و دزدی و زندگی خود را تأمین میکنند. در اوایل ماه فوریه امسال براساس گزارشهای مطبوعات چین، جنسک های خیابانی شدیدی بین این جوانان و پلیس در هنگام تظاهرات و راهپیمایی ها بوقوع پیوسته است.

همچنین تنگ و هوا از زمان به قدرت رسیدنشان در تبلیغات خود به کارگران، اینگونه واشمود کرده اند که مقرر اصلی پایین بودن سطح زندگی و وضع بد اقتصادی آنها ناشی از خیانت های "باند چهار نفره" بوده است ولی آنها بزودی تمام این مشکلات را برطرف خواهند کرد. اما واقعیات امروز نشان میدهند که این مشکلات نه تنها حل نشده و نه تنها سطح زندگی مردم بالا نرئیامده، بلکه بدلیل برنامه های اقتصادی و سیاسی جدید که بودجه های کلانی را به صنعتی کردن کشور و تجدید ساختمان ارتش و مدرن کردن آن اختصاص داده، سرباط زندگی مردم هر روز

بدتر میشود.

یکی دیگر از مشکلاتی که رهبران کنونی چین با آن مواجه اند، اختلافات درون حزب است. رهبران جدید اگر چه مخالفین چپ خود را کاملاً سرکوب کرده و کنترل آنها را تا حدود زیادی به دست گرفته اند، اما هنوز بخش های بزرگی در حزب و در بین مردم وجود دارند که بدون وابستگی مستقیم به جناح چپ، عملاً مانع پیاده کردن سیاست های رویزیونیستی آنان شده اند. حمله ی چین به ویتنام که با توافق امپریالیسم آمریکا انجام شده هم چنین سنگ محکی برای ارزیابی عکس العمل شوروی، در هنگام مورد تهدید قرار گرفتن متحدینش است. شوروی چند هفته قبل از این حمله قرار داد حمایت از ویتنام را با این کشور امضاء کرده بود. نتیجه ی این آزمایش ایشاگر چه برای ویتنامیها خوشحال کننده نبود، ولی برعکس برای چین و آمریکا بسیار موفقیت آمیز مینمود شوروی با وجود تقاضای های مکرر ویتنام برای کمک، حمایت خود را محدود به صدور چند اعلامیه و محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه چین نمود. حتی آمریکا چند روز زودتر از شوروی رسماً از چین خواست که نیروهایش را از ویتنام خارج کند. در صورتیکه شوروی در اعلامیه هایش حتی این خواست را نیز مطرح نمیکرد.

تنگ سیاتویینگ در سفر خود به آمریکا، ژاپن، اروپای غربی و آمریکا را فراخواند که با کشورش متحد شده و "سوسیال امپریالیسم" خطرناک شوروی را در کنترل خویش نگهدارند. تجاوز چین به ویتنام یک گام دیگر در جهت پیاده کردن این سیاست بود. چین که از پشتیبانی لفظی از رژیمهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم (رژیم شاه ایران) آغاز کرده و حمایت خود را به کمک های اقتصادی به این گونه رژیمها (کودتاگران شیلی) و بالاخره کمکهای نظامی (رژیم موبوتو در زئیر) گسترش داده بود، اکنون برای اولین بار، علیه یک کشور ضد امپریالیست مستقیماً

وارد جنگ میشد، و به روی معیار خود برای تشخیص دوست و دشمن براساس درجه ضد شوروی بودن آنها مهر تایید میزد چین با اینکه بارها تاکید کرده بود که اهداف دراز مدت سیاست خارجیش با آمریکا بسیار نزدیک است، اما لازم بود که یکبار در عمل هم اعتقاد به این ادعا را نشان دهد. نشان دهد که نه تنها در حرف از مبارزه علیه "سوسیال امپریالیسم" دم میزند بلکه در صورت لزوم در عمل به این ادعای خود جامدی عمل میبواند.

حمله چین به ویتنام کاملاً بزرگ دیگری در سقوط رهبران چین به ورطه ی ارتجاع و خیانت بود. 

در حاشیه ...

علیه جنبش ضد امپریالیستی مردم ویر و های انقلابی ایران قرارداد.

پلیس آلمان سالهای سال از هیچ کوششی برای جلب "مرحمت" شاه دریغ نکرد. تعقیب و بازداشت دانشجویان ضد رژیم، حمله به منازل فعالین کنفدراسیون، اخراج آنان از خاک آلمان ایجاد تضییقات مختلف هنگام برگزاری جلسات کنفدراسیونی و ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیت جاسوسان ساواک در خاک آلمان غربی، جلگی اقداماتی هستند که مدت هاست برملا شده و پلیس آلمان غربی نیز آنها را کتمان نمی ساخت و با ویتنام حتی از آن دفاع میکرد. بنابراین درضدیت دولت و پلیس آلمان غربی بسا جنبش مردم و نیروهای مترقی و انقلابی جای شبهه ای نمی ماند. آنچه که تحیر آوراست، سکوت دولت و بخصوص سفیر دولت "جمهوری اسلامی" در برابر این رویداد است. پشتیبانی حجت الاسلام نوری نماینده امام در اروپا از دانشجویان دستگیر شده، بدون آنکه سفیر ایران خود را در این جریان دخالت دهد و به پلیس آلمان اعتراض نماید، آشکارا سیاست نرمش و دوستی دولت با دول امپریالیستی را به نمایش میگذارد. بعلاوه این جایگاهی مسئولیتها نمی تواند به معنی آن باشد که پشتیبانی نوری نیز مانور قسودت حاکم در برابر فشار افکار عمومی و بخصوص دانشجویان خارج از کشور است. 